

مسائل جنگ و تدابیر نظامی در تاریخ ایران تا اوایل قرن هفتم ه. ق

()

مکیده:

بررسی مسائل جنگ و تجارب نظامی و دفاعی در تاریخ اندیشه‌ی نظامی هر ملتی می‌تواند همواره موجب دستیابی به دستاوردهای ارزشمندی باشد که نهایتاً باعث ایجاد ثبات و اقتدار ملی می‌شود. این نوشتار در حوزه‌ی اندیشه نظامی برپایه اطلاعات دو متن تاریخی مهم تا اوایل قرن هفتم هجری، یعنی «سیاست‌نامه و آداب الحرب و الشجاعة» فراهم آمده است و به دو دسته عمده‌ی دانش نظامی یعنی مقدمات نبرد و مسائل جنگ و تدابیر نظامی اشاره دارد. مسائل مهم نظامی دوره‌ی تاریخی مذکور تا حدی تبیین شده است که حاصل تجارب دوره‌های گذشته است، در دوره‌های بعدی تاریخ نظامی ایران نیز مؤثر و مفید بوده است. این مسائل عبارتند از: بررسی اموال لشکریان، لشکر ملی، نیازهای لشکریان، شناختن سلاح‌ها و آلات جنگی، سان دیدن، لشکرگاه زدن، آرایش نظامی سپاه، فرستادن عناصر اطلاعاتی، شبیخون و کمین زدن، انتخاب نبردگاه، شیوه‌های جنگ و مبارزه، محاصره کردن، دانش نظامی و عوامل مؤثر در پیروزی جنگ، علل و عوامل تنبیه لشکریان و سرنوشت جنگ.

مقدمه

اهمیت و ضرورت شناخت اندیشه‌های نظامی و تحولات آن در خلال اعصار تمدن بشری همواره بخشی از کوشش انسان را به خود معطوف ساخته است و از زوایای مختلفی مثل ساختار نظامی و اجتماعی، منازعات سیاسی، اقتصادی و فکری می‌تواند مورد بررسی قرار گیرد و نیز می‌توان تأثیر تحول اندیشه‌ی نظامی را در پیشبرد اهداف حیات سیاسی اجتماعی و نظامی جوامع بشری و حاکمیت سیاسی، تبیین کرد. آنچه در اندیشه‌ی نظامی مورد توجه قرار می‌گیرد در واقع، تفکرات، تجارب نظامی و دفاعی و نیز مبنای نظری اندیشه‌ها در آیین‌ی تحولات نظامی - تاریخی یک ملت است.

در گستره‌ی تاریخ و تمدن ایرانی، دوران حکومت سلاجقه از آن جهت که آنها توانستند سرزمین‌های وسیعی را اداره کنند و مقتدرترین دولت‌های آن دوران را به وجود آورند، از اهمیت تاریخی و نظامی بسیاری برخوردار است. تجارب نظامی سلاجقه در واقع حاصل قرنهای متمادی تعاملات نظامی در تاریخ ایران به حساب می‌آید و از این جهت برجستگی خاصی دارد.

«ویژگی مهم دولت سلاجقه آن بود که برای رسیدن به مقاصد سیاسی خود از هرگونه ابزار نظامی بهره می‌گرفتند، از مهمترین مسائل مربوط به اندیشه‌ی نظامی در این دوران تالیف اثر ماندگار یعنی سیاست نامه خواجه نظام الملک طوسی است.» (جمشیدی، ۱۳۸۰، صص ۳۲۸-۳۲۶)

این نوشتار براساس اطلاعاتی از دو متن تاریخی «آداب الحرب و الشجاعة» تألیف مبارکشاه یا فخر مدبر و «سیاست نامه» خواجه نظام الملک فراهم آمده است. مبارکشاه کتابش را به نام سلطان شمس الدین ایلتمش (۶۳۳-۶۰۷ ه.ق) نگاشته و به وی تقدیم نموده است. این کتاب ارزشمند که مربوط به دوره تاریخی

قرن ششم و اوایل قرن هفتم هجری است، مطالب مفصلی را در مورد دانستنی‌ها و فنون جنگ ارائه نموده که می‌توان گفت اطلاعات نظامی مهمی را از دوره صدر اسلام تا آن روز مطرح می‌کند و در بین متون تاریخی ممتاز می‌باشد.

کتاب سیاست‌نامه خواجه نظام‌الملک نیز در جای خود اطلاعات سودمندی را درباره‌ی اصول کشورداری و سیاست، مسائل نظامی و دانستنی‌های مؤثر در جنگ و وضعیت قشون دربردارد که خواجه این اثر را به غیاث‌الدین ابوشجاع محمدبن ملک‌شاه سلجوقی (۵۱۱-۴۹۲ ه.ق) تقدیم کرده و کوشیده است تا جنبه‌های عبرت‌آموز تاریخ را نشان داده و شیره درست سیاست را در این اثر ارائه نماید.

الف) مقدمات جنگ

آنچه می‌تواند به عنوان تدابیری در بررسی مقدماتی جنگ در این دوره مطرح باشد عبارتند از :

۱- فراهم آوردن لشکر متحد

به وجود آوردن سپاهی متحد و یکدل، علی‌رغم آنکه ممکن است از اتحادیه‌های مختلف قومی و قبیله‌ای باشند، یکی از عوامل مهم و مؤثر در نبردهاست که در این دوره به خوبی بدان توجه نموده‌اند. چنانکه گفته شده است: حکما گفته‌اند که از لشکریان پراکنده و نامتحد، کاری بزرگ و فتحی نمایان حاصل نشده است بلکه باید لشکر متحد و یکدل باشند. (جمشیدی، ۱۳۸۰، ص ۳۷۶)

- آنچه که قبل از شروع جنگ‌ها می‌تواند مهم باشد اتکای لشکر به نیروها و توان رزمی خود است. عوامل مهمی در این رابطه می‌تواند مؤثر باشد؛ مثل اینکه لشکر، متشکل از عناصر گوناگون، ملیت‌های مختلف یا از یک ترکیب جمعیتی مؤثر فراهم آمده باشد. چنانکه در دوره‌ی امویان در تاریخ اسلام، سپاه عمدتاً متکی به نیروهای

عرب بود و یا در دوره عباسیان، سپاه متکی به عناصر غیرعرب و ترک شد و می‌توانست تأثیر مهمی در سرنوشت جنگ و امپراتوری داشته باشد.

ویژگی دیگر سپاه در این دوره (سلجوقیان) آن است که لشکر متشکل از نژادها و اقوام مختلفی بود و به نظرخواجه نظام‌الملک از خطرات احتمالی جلوگیری می‌کرد. (خواجه نظام‌الملک، ۱۳۶۴، ص ۱۱۹)

علی‌رغم این مهم به قول «لمبتون» هرچند ارتش مرکب از عناصر گوناگون بود ولی ترکان عملاً اکثریت داشتند. (لمبتون، ۱۳۶۳، ص ۳۵۲)

۲- نیازهای لشکریان:

چگونگی تامین نیازهای لشکریان نیز از دیگر عوامل مهمی است که در تدابیر جنگی و مسائل نظامی می‌تواند بسیار مؤثر باشد. اما آنچه مهم به نظر می‌آید تسلط فرماندهان نظامی و کنترل مجاری تأمین هزینه‌های لشکریان است که باید از مسیر اصلی سلسله مراتب خود صورت پذیرد وگرنه لشکریان وامدار کسان دیگری غیر از فرماندهان نظامی خود خواهند شد که نهایتاً دخالت آرا و اندیشه‌های اشراف و گروه‌های مؤثر اجتماعی دیگر، ممکن است به طور مستقیم بر سرنوشت جنگ نیز مؤثر واقع شود. خواجه نظام‌الملک به این مهم اشاره می‌کند که نیازهای لشکریان باید از طریق سلسله مراتب فرماندهی پیگیری شود. این موضوع از سه امتیاز برخوردار بود:

اولاً: موجب رعایت سلسله مراتب می‌شد.

ثانیاً: حرمت صاحب منصبان نظامی حفظ می‌شد.

ثالثاً: تأکید بر تنبیه و مجازات سپاهیان متخلف به اقتدار فرماندهان می‌افزود.

(خواجه نظام‌الملک، ۱۳۶۴، ص ۱۴۴)

۳- شناختن سلاح‌ها و آلات جنگ :

یکی دیگر از مقدمات جنگ، آشنایی کامل با سلاح‌ها و ابزارهای است که متناسب با تجارب نظامی هر دوره‌ای باید به کار گرفته شود. خواجه معتقد است که بزرگان لشکر باید لباس‌های مناسب و در خور شأن خود بپوشند، و سلاح‌ها و آلات جنگی را به بهترین وجه تهیه نمایند. (خواجه نظام الملک، ۱۳۶۴، ص ۱۴۵)

۴- سان دیدن از سپاه :

یکی دیگر از مسائل نظامی آن بود که آمادگی سپاه را قبل از شروع جنگ‌ها بررسی نمایند تا اطمینان حاصل کنند که سپاه آماده‌ی رزم خواهد بود. رسم بر این بود که هرگاه می‌خواستند از وضعیت لشکر اطلاع حاصل کنند ابتدا از جناح چپ (میسره) شروع می‌کردند و سپس از قلب یا میانه‌ی لشکر و پس از آن از جناح راست (میمنه) بررسی‌های لازم را به عمل می‌آوردند. برای این کار بر نقطه‌ی بلندی می‌ایستادند که دو گروه سواره و پیاده نظام را به طور کامل ببینند، و توسط محاسبه کننده‌ای که «نقیب» نام داشت، ابتدا تجهیزات سواره نظام و سپس تعداد سلاح‌ها و پیاده نظام مورد بررسی قرار می‌گرفت. (مبارکشاه، ۱۳۴۶، صص ۲۷۸ - ۲۷۶)

۵- فرود آمدن و لشکرگاه زدن :

آماده شدن برای جنگ و زدن لشکرگاه و انتخاب محل و چاره‌اندیشی در این رابطه، از جمله مسائل مهمی است که باید آن را در مقابله‌ی نظامی با دشمن، در نظر داشت. در آموزشهای نظامی دوره مذکور به عواملی اشاره می‌شود که غالباً در جنگهای امروزی استفاده شده است که در زیر به پاره‌ای از آنها اشاره می‌گردد. رسم بر این بود که به هنگام لشکرکشی نکات مهمی در نظر گرفته می‌شد: ۱- لشکر در جایی فرود آید که به منابع آب و گیاه دسترسی باشد.

۲- در کمین‌گاه‌ها فرود آیند و در بیابان‌ها راه را بر لشکر دشمن نگیرند؛ زیرا آسیب‌پذیر خواهند شد.

۳- اگر در کناره رودی یا دامنه کوهی فرود آیند بهتر خواهد بود. (که البته این شیوه بیشتر با جنگهای سنتی نظامی سازگار است).

۴- برای تأمین لشکر، در جلو لشکرگاه باید اقداماتی انجام دهند؛ مثل آنکه زمینی را آب انداخته تا از حرکت و تهدید دشمن جلوگیری کنند و یا خندق‌ها و گودال‌ها و آب‌گیرهایی ترتیب دهند تا از شیخون لشکر دشمن در امان باشند. (مبارکشاه، ۱۳۴۶، ص ۲۸۲)

قابل توجه است در جنگهای امروزی نیز از همین تاکتیک استفاده می‌شود؛ مثل آنچه که در درون دفاع مقدس مخصوصاً در مناطق عملیاتی شلمچه، کانال پرورش ماهی و کربلای پنج شاهد آن بودیم.

ب: تدابیر نظامی در جنگ

۱. فرستادن دیده‌بان و عناصر اطلاعاتی

هرگاه به دیده‌بان مأموریت نظامی محول می‌کردند، او با اسبهای تندرو و همراه داشتن تجهیزات لازم انجام وظیفه می‌نمود و اگر چندین نفر بودند، باید فرماندهی هوشیار و با تجربه داشته باشند که تمامی راه‌ها را بشناسد و به طور پراکنده حرکت نمایند. (مبارکشاه، ۱۳۴۶، ص ۲۹۰)

۲- خصوصیات عناصر اطلاعاتی

اعزام عناصر خبرگیر و اطلاعاتی همواره یکی از تدابیر نظامی در آغاز جنگ‌ها بوده است. برای این عناصر خصوصیات و رهنمودهای زیر تعیین شده است:

۱. باید به گونه‌ای در قلب لشکر نفوذ کنند که هیچ کس متوجه آنان نشود.
۲. خبرگیران باید دانا و راستگو باشند و چیزی را از فرماندهی خود پنهان نکنند.
۳. همیشه خدا را یاد کنند تا خدا حافظ آنان باشد.
۴. اگر در آبادی وارد شدند به گونه‌ای عادی عمل کنند که تصور شود از اهالی آنجا هستند.
۵. توکل بر خدا کنند و مواظب باشند و خود را در مهلکه نیندازند تا به سلامت بازگردند. (مبارکشاه، ۱۳۴۶، صص ۲۹۳-۲۹۴)

۳. شبیخون زدن

در این مبحث به عوامل مهمی اشاره شده است که عبارتند از: خصوصیات عناصر شبیخون زننده، زمان شبیخون، هوشیاری عناصر عمل کننده و استفاده از فنون جنگ روانی.

برای شبیخون زدن به افرادی نیاز است که دارای دو ویژگی مهم باشند: یکی آشنایی با رزم و داشتن تجربه و دیگری هوشیاری و دانایی و مطیع و فرمانبردار بودن. زمان شبیخون باید از نیمه شب تا وقت سحر باشد. در هنگام شبیخون زدن بهتر است افسار اسبها را پاره کرد تا رم کنند و طناب خیمه‌ها را پاره کنند و ترس در دل دشمن بیاندازند. گروهی راههای مواصلاتی را مواظبت کنند و گروهی با اعلام اینکه فلانی کشته شد و شایعات دیگر به جنگ روانی پردازند.» (مبارکشاه، ۱۳۴۶، ص ۲۹۹)

۴. کمین زدن به دشمن

کمین زدن به دشمن یکی از شیوه‌های مؤثر در برخورد با دشمن است که عمدتاً در نبردهای پارتیزانی قدیم و در جنگهای نامتقارن امروزی از اهمیت خاصی

برخوردار است. در دوره‌ی مذکور تحقق این سیاست جنگی، تابع اصولی بود که از جمله آنها می‌توان به انتخاب محل کمین گاه، احتیاط کامل، گرفتن اطلاعات مستمر، پی در پی عمل کردن و زمان کمین. در اجرای کمین اشاره کرد. نکات مهم زیر را رعایت می‌کردند :

- ۱- اسبانی را انتخاب می‌کنند که بی سروصدا باشند تا مشکل آفرین نشوند.
- ۲- محل کمین گاه به گونه‌ای باشد که دسترسی به آن به راحتی ممکن باشد.
- ۳- کمین کنندگان کاملاً باید با احتیاط عمل نمایند و کاری نکنند که موجب آگاهی دشمن شود.
- ۴- ساعت به ساعت از حال دشمن آگاه شوند و از نقطه مرتفعی برای این کار استفاده نمایند.
- ۵- هنگام عملیات پراکنده شوند تا دشمن از دستیابی به آنان عاجز باشد.
- ۶- اگر لشکرگاه دشمن وسیع باشد از چند نقطه و پی در پی به دشمن حمله کنند.
- ۷- اگر جنگ در فصل بهار باشد بهتر آن است که وقت کمین زدن در بامداد باشد؛ زیرا نگهبانان عمدتاً در حال خواب و استراحت به سر می‌برند.
- ۸- اگر در فصل تابستان باشد بهتر است وقت کمین کردن در میانه‌ی روز و ظهر باشد که لشکر در حال استراحت است. (مبارکشاه، ۱۳۴۶، صص ۳۰۴-۳۰۶)

۵- انتخاب نبرد گاه (میدان جنگ)

زمینی برای محل نبرد انتخاب می‌شده است که باعث بروز گرد و خاک و مانع جنگ کردن نشود، به آبادی‌های اطراف، نه بسیار نزدیک و نه بسیار دور باشد تا هم امکان خطری وجود نداشته و هم امکان پناه بردن سپاهیان در موقع بروز خطرات جدی، فراهم باشد. زمین نبرد گاه نیز وسیع و از هر نظر مناسب انتخاب گردیده باشد. (مبارکشاه، ۱۳۴۶، صص ۳۱۵-۳۱۷)

۶- آرایش صفوف جنگی :

صف اول: پیاده نظام با سپرهای مناسب و سلاحهای ابتدایی مثل گرز و چوبدستی
صف دوم: پیادگان با زره و شمشیر و نیزه
صف سوم: پیادگان با شمشیر و تیرکش
صف چهارم: کارگزاران لشکر به همراه پیادگان با شمشیر و عمود آهنی
مردان جنگی نیز در چهار گروه متشکل می شدند.
۱. مبارزان فدایی بر جناح راست (میمنه)
۲. مبارزان مقاوم بر ساقه یا عقب لشکر
۳. مردان تیرانداز بر جناح چپ لشکر (میسره)
۴. آرایش دهندگان لشکر مثل علمداران، دهل زنان و.... (مبارکشاه، ۱۳۴۶، صص ۳۳۰ - ۳۳۱)

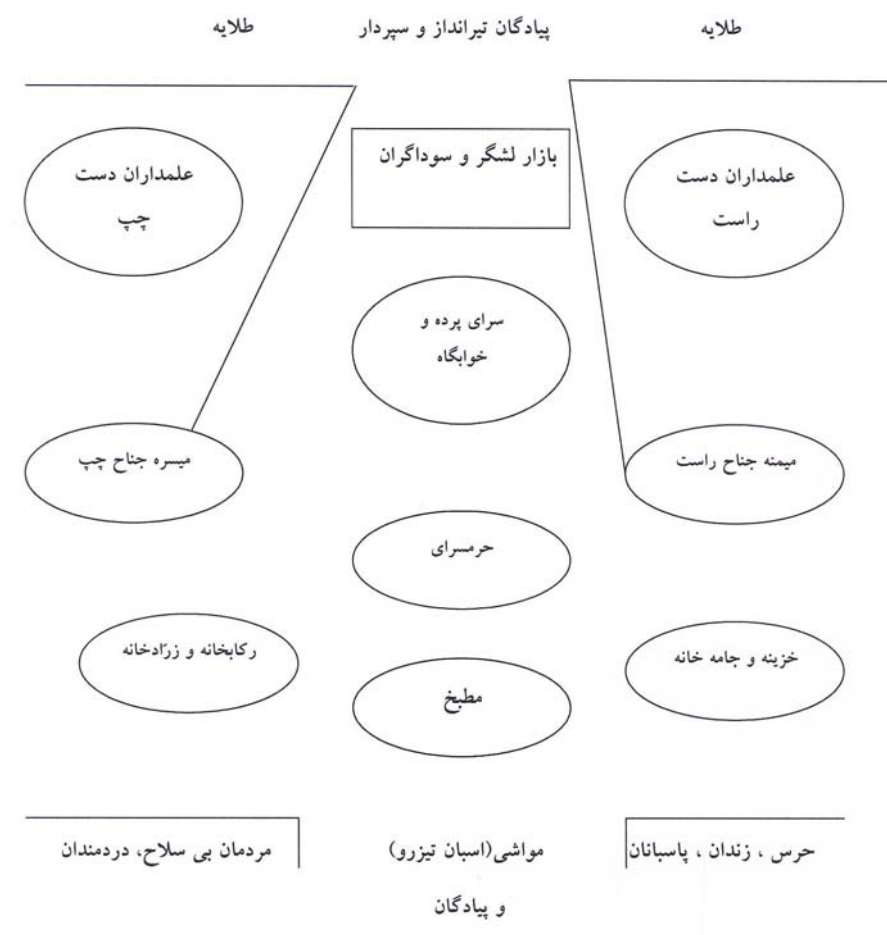
۷- شیوه های جنگ و مبارزه :

جنگ به دو شکل امکان وقوع داشت :
یکی سواره؛ که در جنگ سواره به کمک اسبها می توانستند دشمن را محاصره و خسته کنند و حتی امکان داشت در صورت لزوم و اضطرار از چنگ دشمن گریخت و دیگری به شکل پیاده؛ که در این صورت می توانستند با استفاده از خندق دشمن را مغلوب سازند. (مبارکشاه، ۱۳۴۶، ص ۳۳۶)

۸- ترتیب شروع جنگ :

ابتدا باید نبرد از جناح راست آغاز شود سپس قلب یا میانه ی لشکر و بعد جناح چپ آن را ادامه می داد هر یک از فرماندهان با سپاهیان و علامت مخصوص خویش بر سرجای خود قرار می گرفتند تا از سوی سرلشکر، فرمان لازم صادر شود. (مبارکشاه، ۱۳۴۶، ص ۳۴۴)

آرایش نظامی سپاه



(مبارکشاه، ۱۳۴۶، ص ۲۸۲)

آداب رزم چنان بود که هر مبارزی که از قلب لشکر بیرون می‌آمد بایستی بر جناح راست لشکر رود و جولان کند و حمله برد و پس از آن در مقابل مبارز خود سعی کند او را با تیر بزند و اگر به او نزدیک شد، نیزه به سوی او پرتاب کند و اگر به خطا رفت، فوراً اراده‌ی ضربه زدن به آن مبارز یا اسبش را نماید تا موفق شود و اگر باز هم نشد به جنگ تن به تن پردازد و با گرز و شمشیر مبارزه کند و برای به جنگ آوردن حریف، از کمند غافل نشود و چون اراده‌ی بازگشت از صحنه نبرد کند با دلیری و سرافرازی به صف لشکر خویش بازگردد. (مبارکشاه، ۱۳۴۶، صص ۳۵۷-۳۵۸)

۹- محاصره کردن و تدابیر آن

محاصره دشمن و تدابیر لازم آن یکی از فنون رزمی است که در جنگهای سنتی قدیم و نیز در جنگهای نوین کاملاً مورد استفاده است. بهره‌گیری از استراتژی جنگ روانی و تبلیغی از قدیم الایام از عوامل مؤثر در پیروزی یا شکست جنگها بوده است که مبارکشاه به طرح آن در جنگها تا قرن هفتم پرداخته است :

محاصره شکستن و لشکر کشیدن عادت و سیرت پادشاهان بزرگ است و نیز حصار گشودن از سنت پیامبران الهی است. (مبارکشاه، ۱۳۴۶، ص ۴۱۰)

- ایجاد شایعه و جنگ روانی :

اولاً باید در میان محاصره شدگان نامه انداخت و پیغام فرستاد و با وعده‌های خوب دل آنان را به دست آورد.

ثانیاً باید شایعاتی پخش کرد تا به نتیجه‌ی مطلوب برسند؛ مثل اینکه: منجنیق‌ها ساخته‌اند ، دیوار قلعه‌ها را خراب خواهند ساخت ، با نفت و آتش همه را آتش خواهند زد و شایعه کرد که فلان لشکر کمکی خواهد رسید و الان به فلان جا رسیده

و هر روز صبح با زدن طبل و علم برافراشتن، اعلام کنند که در فلان روز، جنگ شروع خواهد شد. (مبارکشاه، ۱۳۴۶، صص ۴۲۱-۴۲۲)

بدیهی است که مجموعه این تدابیر می‌توانست در تضعیف روحیه دشمن مؤثر واقع شود و سرنوشت جنگ را رقم زند.

۱۰- عوامل مؤثر در پیروزی جنگ

عوامل اثرگذار در سرنوشت نبرد، از روزگاران قدیم در استراتژی نظامی دولتها همواره مورد توجه بوده و غالباً به دو دسته عوامل مادی و معنوی یا آشکار و پنهان، در سرنوشت جنگ‌ها اشاره می‌شده است. در دوره‌ی مورد نظر که حاصل تجربیات و تعاملات نظامی متعددی بوده، این عوامل دور از تحلیل و مذاقه قرار نداشته است؛ به طوری که متن تاریخی آداب‌الحرب و الشجاعه نیز به خوبی به طرح این عوامل پرداخته است.

الف: عوامل آشکار یا مادی

۱. برپا بودن پرچم‌ها به طور مرتب در طول جنگ که باعث قوت قلب لشکریان می‌شود.
۲. وجود شور و نشاط در میان جنگجویان و بانگ و شیهه‌ی اسبان.
۳. عدم التفات مبارزان به مجروحان در حین جنگ؛ زیرا از هدف اصلی که مبارزه با دشمن است غافل می‌شوند.
۴. به طور یکدل و یک زبان بر دشمن تاختن و برخورداری از اتحاد کلمه و عدم وجود تفرقه در بین صفوف سپاه.

ب: عوامل پنهان یا معنوی

۱. اجرای عدالت یا پرهیز از ظلم

۲. رعایت قوانین شریعت
۳. یاری کردن مظلومان
۴. آرامش خاطر و اطمینان رعایا از عدم تعدی به آنان
۵. عدم نگرانی و کم فروشی در جامعه
۶. دادن صدقه بسیار
۷. دلجویی از علمای بلاد و مصلحان
۸. توجه به دعای مسکینان و ضعیفان
۹. رفتار فاتحان بر سبیل سنت و عدالت (مبارکشاه، ۱۳۴۶، ص ۳۶۴)

۱۱- دانش نظامی و مسائل مؤثر در جنگ

۱- آنچه باید فرماندهان سپاه بدانند:

- الف-** یکی از نشانه‌های با کفایتی فرماندهان آن است که دستور دهند سپاهیان، سلاح و تجهیزات و آذوقه، به اندازه لازم به همراه خویش بردارند تا در موقع کارزار یا عقب‌نشینی و فرار، مشکل ساز نباشد. (مبارکشاه، ۱۳۴۶، ص ۳۶۴)
- ب-** بهترین شایستگی‌ها آن است که فرماندهان به تدبیر و تجهیز سپاه، در جنگها آگاه باشند و آنچه را که عمل می‌کنند بر اساس رأی و تدبیر خردمندان آن دیار باشد.
- ج-** از عوامل مؤثر در پیروزی اطلاع کافی داشته باشد.
- د-** نسبت به هم‌زمان خویش ناصح و مهربان باشند و با مقررات و شجاعت از سلسله مراتب اطاعت نمایند. (مبارکشاه، ۱۳۴۶، صص ۳۷۱-۳۷۲)

۲. علل و عوامل تنبیه لشکریان:

تعیین وظایف و مأموریت‌های نظامی و اعمال سیاست تشویق و تنبیه همواره از مسائل مهم در سازمان ارتش‌های جهان در طول تاریخ بوده است. به طوری که آداب‌الحرب اشاره کرده، تا پایان قرن ششم هجری به این مهم به خوبی توجه گردیده است :

اگر فرمانده‌ای تخلفی از کسی می‌دید بایستی براساس سلسله مراتب به تنبیه متخلف می‌پرداخت.

آنچه موجب کیفر و تنبیه لشکریان می‌شده است در فهرست زیر ترتیب می‌یابد:

۲/۱. کسی که قبل از صدور فرمان برای شروع نبرد، در جنگ پیشتازی کند.

۲/۲. کسی که به طور عمد خود را در روز جنگ، بیمار جلوه دهد و یا بهانه آورد یا دروغ گوید یا از هم‌زمان خود جدا شود.

۲/۳. کسی که در حال مأموریت یا دیده‌بانی و نگهبانی و یا در روز جنگ به خواب رود.

۲/۴. آن کس که برای دشمن خبرچینی کند یا راه‌های نفوذ را به دشمن نشان دهد. یا برای دشمن سلاح بفرستد و یا تعداد نفرات سپاه را اطلاع دهد.

۲/۵. هرکس که در هنگام دیده‌بانی از حد مجاز خود جلوتر رود.

۲/۶. هر کس که در میان لشکر خود، فتنه و جنگ داخلی برپا نماید.

۲/۷. هرکس که لباس خود را مانند لباس دشمن یا علامت و نشانه‌ی خود را به شکل دشمن جلوه دهد. (مبارکشاه، ۱۳۴۶، صص ۴۶۰-۴۶۲)

۲/۸. هرکس دشمن اسیر شده را آزاد کند و یا اهداف و اسرار نظامی را به سپاه دشمن گزارش کند.

قابل توجه است که در این متن تاریخی مؤلف تنها به ذکر فهرست این عوامل پرداخته و هیچ‌گونه اشاره‌ای در مورد نحوه‌ی به کیفر رساندن آنها و ضوابط مربوطه نکرده است.

۳. سرنوشت جنگ

با توجه به مسائلی که دو متن تاریخی، سیاست‌نامه و آداب الحرب و الشجاعة در مورد سیاست نظامی، جنگ و عوامل مؤثر در سرنوشت آن ارائه نموده‌اند، این

نکته قابل ذکر است که روح مذهبی و اسلامی حاکم بر این دوره با همه‌ی کم و کاستی‌هایش، مبارکشاه را برانگیخته است تا در مباحث پایانی کتابش (آداب الحراب و الشجاعه) چنین بنگارد:

همچنانکه همه‌ی چیزها به خواست خدا اجلی معین دارد، جنگ نیز چنین است و اشاره به آیه ۳۴ سوره اعراف از قرآن کریم می‌کند که می‌فرماید: هر گاه که اجل آنها فرا رسید ساعتی عقب و جلو نمی‌افتد، فاذا جاء اجلهم لا يستأخرون ساعهً و لا يستقدمون. (مبارکشاه، ۱۳۴۶، ص ۴۶۲)

نتیجه گیری:

بررسی مسائل جنگ و تدابیر لازم همواره در میان ملتها و دولتهای مختلف و در طول تاریخ مورد توجه بوده است. تا قرن ششم هجری در تاریخ ایران اسلامی، تحولات نظامی گسترده‌ای صورت پذیرفته است، از جنگهای مسلمین و فتوحات ایران گرفته تا کشورگشایی‌های خلفای اموی و عباسی و نیز دولتهای ایرانی که خراجگزار عباسیان بوده‌اند و نهایتاً دولت سلاجقه که موفق شدند به بیشترین گسترش اراضی خود دست یابند. تجارب به دست آمده از این جنگها و به ویژه تعاملات اخلاقی- اجتماعی حاصل از این کشورگشایی‌ها، بخش مهمی از تاریخ اندیشه نظامی ایران را تشکیل می‌دهد، علاوه بر به اینکه از زاویه‌ی اندیشه‌ی نظامی تجربیات گرانقدری نیز در تاریخ ایران قبل از اسلام مشاهده می‌گردد.

همان گونه که در این نوشتار به آن اشاره گردید، پرداختن به دانش نظامی و مسائل جنگ و شناخت تاکتیک‌های رزمی و عملیاتی از مهمترین آموزه‌هایی محسوب می‌شود که در نتیجه تعاملات نظامی به دست می‌آید و هر دوره‌ی تاریخی می‌تواند در این خصوص روح خاصی داشته باشد. چنانکه تا اوایل قرن هفتم دولت سلاجقه

توانست از تجارب نظامی دوره‌ی صدر اسلام و دولت‌های اموی و عباسی به خوبی استفاده نماید.

آنچه که در این نوشتار به آن توجه بیشتری شد، پرداختن به آداب جنگ، تاکتیک‌های رزمی و دانش‌های نظامی مؤثر در سرنوشت جنگ بود که بیشتر متناسب با دوره‌ی جنگهای سنتی و نظامی روزگار قدیم و قبل از عصر جدید و تحولات نظامی آن به حساب می‌آید و قابل توجه است که این روند تا جنگ‌های اوایل دوره صفوی با امپراطوری عثمانی و تا قبل از استفاده از سلاح‌های گرم در جنگ چالدران، کارایی خود را داشته است. طبیعی است که پس از این دوره تحولات علمی جدید و تلاش‌های جدی‌تری در دولتهای ایرانی برای دستیابی به سلاح‌ها و فنون رزمی جدید آغاز می‌شود که در جای خود باید بدان پرداخته شود.

البته با مطالعه در فنون و تدابیر نظامی دنیای قدیم و مقایسه‌ی تطبیقی در دوران جدید، این نکته قابل توجه است که به ویژه در عرصه‌ی جنگهای پارتیزانی یا نامتقارن به مفهوم جدید، بسیاری از آموزه‌های نظامی دوران قدیم به عنوان تجربیات نظامی مفید و مؤثر کاملاً قابل استفاده است که نمی‌توان به سادگی از کنار آنها گذشت.

منابع :

- باسورث، کلیفورد، ادموند (۱۳۶۲): تاریخ غزنویان، ترجمه حسن آنوشه، امیر کبیر، چاپ دوم، جلد اول.
- جمشیدی، محمدحسن (۱۳۸۰): مبانی و تاریخ اندیشه نظامی در ایران، دوره عالی جنگ، چاپ اول.
- لمبتون، آن. ک.س (۱۳۶۳): تاریخ ایران بعد از اسلام، ترجمه یعقوب آژند، امیر کبیر، چاپ اول.
- مبارکشاه (فخرمدبّر)، محمدبن منصوربن سعید (۱۳۴۶): آداب الحرب و الشجاعة، به اهتمام و تصحیح احمد سهیلی خوانساری، نشر اقبال.
- نظام‌الملک، ابوعلی حسن‌بن علی (۱۳۶۴): سیاست‌نامه، تصحیح علامه محمد قزوینی و با تصحیح مجدد و تعلیقات به کوشش مرتضی مدرسی چهاردهی، تهران نشر زوار، چاپ دوم.